

نوشته‌ای بر نگین از دوره ساسانی*

سیروس نصراله‌زاده (عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)
آرش عابدینی عراقی (باستان‌شناس اداره میراث فرهنگی مازندران)

چکیده: مقاله حاضر درباره قرائت کتیبه پهلوی ساسانی بر نگین انگشتری است که در مازندران یافت شده است. این نگین نوشته جمله‌ای است درباره یاری جستن و امید به خدای/ شاه که نسبت بدو پشتیبانی و امید دارند. علاوه بر ترجمه این نگین نوشته و شرح آن، به معنی واژه خدای در این کاربرد نیز پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها: پهلوی ساسانی، کتیبه، نگین انگشتری، مازندران، ساری

۱. مقدمه

این انگشتر با نگین نوشته‌ای از گوری در منطقه کوهستانی جنوب شهرستان ساری یافت شده است که طی یک حفاری غیرمجاز به همراه تعدادی اشیا نقره‌ای دوره ساسانی به دست آمده و اکنون در موزه شهر ساری در استان مازندران است. کتیبه در دو سطر نوشته

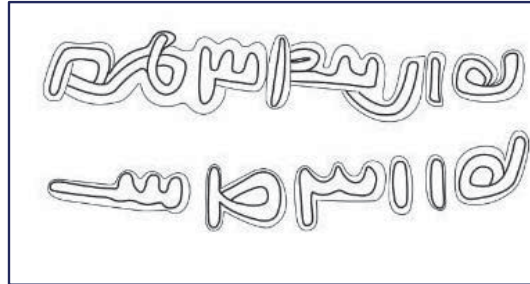
* استاد ارجمند خانم دکتر مهشید میرفخرایی و دوست گرامی خانم دکتر سمرا آذرنوش مقاله حاضر را از سر لطف خواندند و نظرات ارزشمندی در بهتر شدن مقاله دادند. از هردو بزرگوار بسیار سپاسگزاریم و البته مسئولیت مقاله برعهده نگارندگان است.

شده‌است. نوع نگارش آن بدیع و زیبا و همچون اثرمهرهای اداری است. نگین آن عقیق و اندازه آن ۲ × ۱ سانتی‌متر است. رکاب انگشتی از جنس نقره مرغوب و بدون نقش است. این نگین نوشته نوعی امید و آرزو را بیان می‌کند؛ مشابه آن را بر بسیاری از مهرهای دیگر می‌توان دید (برای نمونه نک: Gignoux 1976: 41-56; Gignoux and Kalus 1982: 128f). علاوه بر این، در منابع مکتوب دوره اسلامی نیز بدین گونه نگین‌نوشته‌ها یا خاتم‌ها اشاره شده‌است. از آن جمله است خاتم بهرام گور (غزالی، نصیحۃ‌الملوک، ۱۳۸؛ راوندی، راحة‌الصدور و آية‌السرور: ۷۲)، انگشتی‌های چهارگانه خسرو انوشیروان و نه‌گانه خسرو پرویز (مسعودی، مروج‌الذهب، جلد ۱: ۳۰۹ و ۳۲۰) و یا انگشتی‌های شاهان ایران (بلاذری، البلدان و فتوحها و احکامها: ۵۰۸ نیز نک: تفضلی ۱۳۷۶: ۲۱۱)^۱. نوع ادبی مهمی که از ایران باستان به دوره‌های بعد رسیده «ادبیات اخلاقی ایرانی» است که مضمون آنها دعا، اندرز، تهذیب روح و تزکیه نفس و تربیت انسان است تا آدمی صاحب علو نفس و صفات پسندیده و اخلاقی شود. ایرانیان در دوره ساسانی توجه زیادی به این مضامین اخلاقی داشتند. بنا به گفته جاحظ ایرانیان اندرز و موعظه‌های خود را علاوه بر کتاب، بر صخره‌های عظیم یا بر دیواره بناهای بزرگ به یادگار نوشته‌اند. علاوه بر این، بر طراز لباس، حاشیه فرش، کناره سفره‌ها، بر ظروف و بر تاج شاهان سخنان کوتاه و پندآمیز می‌نوشتند. مسعودی از خوان بزرگ خسرو انوشیروان یاد می‌کند که بر گرداگرد آن سخنان حکمت‌آمیز نوشته بودند (به نقل از محمدی ملایری ۱۳۸۰: ۲۵۷/۴ و بعد).

۱. غزالی در نصیحۃ‌الملوک (۱۳۵۱: ۱۳۸) درباره نگین‌نوشته خسرو انوشیروان چنین آورده‌است: «... انگشتی در انگشت وی (راوندی، راحة‌الصدور، ۷۲، انگشت راست آورده‌است)، نگین از یاقوتِ سرخ گرانمایه ... و بر نگین وی نبشته: «به مه، نه مه به» یعنی بهتری مهتری است نه مهتری بهتری / مهتری به بهتری است نه بهتری به مهتری. اندرزها قالب‌های متنوعی دارند که غالباً توصیه‌های اخلاقی، اعتدال و میانه‌روی است (برای مباحث درباره اندرزهای ایرانی نک: de Fouchécour 1986: 19-132, Shaked and Safa 1985). اندرزهایی بر روی دخمه / ناووس شاهان ساسانی در منابع دوره اسلامی نیز آمده‌است (نک: تفضلی ۱۳۷۶: ۲۱۲-۲۱۳).

۲. کتیبه:

نگین‌نوشته حاضر چنین خوانده شده است:



- 1) pušt [W] 'wmyt
- 2) PWN hwt'y
 - 1) pušt [ud] ummēd
 - 2) pad xwadāy.

پشت [و] امید به خدای.

۳. تعلیقات

سطر نخست:

pušt در ادبیات زردشتی و مانوی به معنای «پشت؛ پشتیبانی، حمایت» (Nyberg 1974: 287; MacKenzie 1986: 69; Durkin-Meisterernst 2004: 287) و در فارسی نو با همین معنی به فراوانی به کار رفته است. در کتیبه شاپور در کعبه زردشت: PWN yzt'n pwšty/ pad yazadān pušt در روایت ساسانی و pt'y y'ztn pwšt در روایت اشکانی در معنی «با پشتیبانی ایزدان» (Back 1978: 251; Huyse 1999: 45)؛ در کتیبه کرتیر، سرمشهد ۲ (= کعبه زردشت ۲ و نقش رستم ۴)، سرمشهد ۲۲ (= کعبه زردشت ۱۴ و نقش رستم ۲۱-۲۲) PWN pwšty (ZY yzd'n W MLKAn MLKA/ pad pušt ī yazadān ud šāhān šāh ایزدان و شاه) آمده است (Gignoux 1991: 54, 63). همچنین، در کتیبه پایکلی عبارت فعلی ZNE pr'c ... pwšty OZLWN/ frāz ... pušt šaw 'yr'nštry pwšty ZY yzd'n KBYR lncy W 'wd'm wt'lty/ ēn Ērānšahr pušt ī yazadān was ranj ud aw(w)ām widārd «این ایرا نشهر به پشتیبانی ایزدان رنج و درد بسیار را تحمل کرد» آمده است (Humbach and Skjærvø 1983/3.1: 28, 56). در تعدادی از اثر مهرهای ساسانی (Gignoux 1976: 41-56; Idem 1979: 159-163; Idem and Kalus 1982: 128-131; Yamauchi 1993: 106) عبارت pušt yzd'n «به پشتیبانی ایزدان» و در

LY pwšty OL yzd'n [k]rpk MN کتیبه‌ای دیگر از این اثر مهرها چنین آمده‌است: MLKAn MLKA/ man pušt ō yazadān kirbag az šāhān šāh «مرا پشٹیانی از ایزدان و کرفه از شاهنشاه (است)» (Gyselen 2007: 114).

ummēd. دشواری خوانش این واژه در نامشخص بودن حرف «ی» بعد از «م» است. در منابع فارسی میانه واژه 𐭥𐭮𐭥𐭮 آمده‌است. اما مشابه عبارت نگین‌نوشته را در متن یوشت‌فریان و اخت جادو می‌توان دید (کرده ۳: ۸۵):

kū frašnihā ī tō Yōšt ī Fryān kē ummēd ō Ohrmazd xwadāy kard kē pad ham-zamān ō pušt ud ayārīh rasēd.

«که: پرسش‌هایی را که تو یوشت‌فریان، که امید به اورمزدخدای / سرور کردی، که در زمان (فوراً) به پشٹیانی و یاری (ات) برسد.» (جعفری ۱۳۶۵: ۸۹). قرائت دیگر می‌تواند humat «اندیشه نیک» باشد. اما تاکنون این واژه به‌تنهایی در متون پهلوی نیامده و غالباً سه‌گانه هومت، هوخت و هوورشت با هم می‌آیند. هومت (پهلوی humat از اوستایی -humata)، هوخت (پهلوی hūxt از اوستایی -hūxta) و هوورشت (پهلوی huwaršt از اوستایی -hvaršta)، سه اصل اخلاقی دین زردشتی، نخست در یسنای هفت‌ها آمده و در اوستای نو بسیار تکرار شده‌است. این سه عبارت در متون زند به‌صورت humenišn(īh), hugōwišn(īh), hukunišn(īh) ترجمه شده و در ادبیات پهلوی و فارسی زردشتی از اصول مهم اخلاقی دین زردشتی است که در زندگی روزمره آنان نقش مهمی دارد (Boyce 2004). اگر چنین باشد ترجمه این‌گونه می‌تواند باشد: «پشٹیان و اندیشه نیک برای خدای». قرائت دیگر، اما نامحتمل، این است که به جهت ساختار اندرز می‌توان انتظار آمدن فعل دعایی را داشت. این فعل دعایی می‌تواند 𐭥𐭮𐭥𐭮 / hēd, hād/ یا به احتمال کمتر 𐭥𐭮𐭥𐭮 HWEyt /hēd/ باشد؛ اما در هیچ‌یک از منابع پهلوی صورت 𐭥𐭮 به‌صورت 𐭥𐭮 نیامده‌است.

سطر دوم:

xwadāy. در منابع کتیبه‌ای و پهلوی کتابی واژه خدای با هزوارش و بدون هزوارش به معانی

زیر آمده‌است:

(۱) «سرور» (MacKenzie 1986: 95) و «فرمانروا در مفهوم سیاسی» که گاه همراه با واژه پادشاه، *xwadāyān ud padixšāyān*، و در معنای «خدایان/ سروران و پادشاهان»، در ترکیب با *dahibed* به معنای «دهبد، فرمانروا» و به همراه *sar* به صورت *sar-xwadāy* به معنای «شاهک، شاهزاده» آمده‌است.

(۲) در ترکیب برای هستی‌های الهی و در معنی «سرور» آمده‌است: *Ohrmazd xwadāy* (Nyberg 1974: 222).

در منابع مانوی به صورت *xwd'y* و به معنای «سرور» به کار رفته‌است (Durkin-Meisterernst 2004: 367). در کتیبه شاپور بر کعبه زردشت به صورت هزوارش *MROHY* در روایت ساسانی و *hwtwy* در روایت اشکانی آمده‌است. این واژه چهار بار در این کتیبه آمده‌است.

(۱) در بند یک که شاپور خود را «خدای ایران» در معنی «سرور» نامیده‌است.

an mazdēsñ bay Šābuhr šāhān šāh Ērān ud Anērān ... Ērānšahr xwadāy hēm.

«من شاپور خداوندگار مزدایرست شاهنشاه ایران و انیران... فرمانروا هستم» (Huyse 1999: 22).^۲ در روایت یونانی همین سطر *κυριος* معادل «خدای» به معنای «سرور، مالک، حاکم» آمده‌است.

(۲) در عنوان ساسان «ساسان - خودای» که در روایت یونانی باز هم *κυριου* آمده‌است.

۱. هویسه هم Herr ترجمه کرده‌است، نک: Huyse 1999: 22.

۲. واژه خودای ظاهراً در زمان اشکانیان برای واژه یونانی *autokratōr* به معنای «سرور، فرمانروا»، معادل امپراتور، ساخته شده‌است. در اصل به معنای «خودحاکم» (*self-ruler*)، از *auto* به معنای «خود» و *karator* به معنای «حاکم»، است. خود واژه خودای هم همین ساختار را دارد: **xva* به معنای «خود» و **tāvaya* از ریشه **tav* به معنای «توانستن». در آغاز در فضای سیاسی استعمال می‌شده و بار منفی داشته‌است. چنان‌که در یادگار زریران دیده می‌شود: خودای برای تورانیان و شاه برای ایرانیان. اما به تدریج در ادب پهلوی «شاه» معنا شده و در دوره اسلامی معادل «الله» شده‌است. در کتاب‌های ادبی و تاریخی دوره اسلامی معنای «شاه» داشته‌است (برای تفصیل، نک: Shayegan 1998: 31-54).

اگر او همان ساسان نیای ساسانیان باشد معنای «سرور و حاکم» دارد (Idem: 49).

۳) در عنوان «ساسان خدای اندیگان» که در روایت یونانی معادل خدای واژه $\delta\epsilon\sigma\pi\omicron\tau\omicron\upsilon$ به معنای «سرور، حاکم» آمده است (Idem: 54f.)^۱.

۴) در عبارتی دیگر مشابه عبارت قبلی «نرسه خدای اندیگان» در روایت یونانی معادل $\kappa\upsilon\rho\iota\omicron\upsilon$ آمده است (برای تفصیل بحث، نک: Huyse 1999: 16f.). در کتیبه پایکلی همه‌جا معنای «سرور» دارد (Humbach and Skjærvø 1983: 3/112). در منابع سغدی مسیحی به صورت‌های $xwt'w$, $xwtw$, $xwd'w$, $xwdw$, $xwt'w$ (Gharib $\gamma wt'w$) و نیز به صورت $\gamma wt'w$ (Gharib) به معنای «خدا، شاه، سرور، حضرت» آمده است. در منابع فارسی نو به معنای ۱) «شاه»، مثل بخاراخدا و توران‌خدا. ۲) «صاحب و مالک»، مثل خانه‌خدا و خرخدا. ۳) «رئیس، سرور، بزرگ قوم»، مثل دژخدا و ده‌خدا و کدخدا، آمده است (نک: لغت‌نامه دهخدا زیر مدخل خدا با شواهد). در متون پهلوی زردشتی هم، جز مواردی که معنای «سرور» دارد، در چند مورد معنای «پروردگار» دارد که ظاهراً متأثر از متون فارسی نو است. در متون پهلوی نوشته‌شده در سده‌های سوم هجری به بعد است که این تأثیرپذیری بسیار محتمل به نظر می‌آید. در کتیبه‌ها و متون پهلوی برابر نهاد برای پروردگار دو واژه «بی / بغ» (bay) و «یزد، ایزد» (yazad) است. حتی در زبور پهلوی سده‌های ۹ و ۱۰ میلادی هم این کاربرد ادامه یافته و واژه ایزد (īzad) برای «پروردگار» و خدا (xōdā) برای «سرور» آمده است. در متون فارسی یهودی، سده ۸ میلادی، واژه خدا همراه با ایزد آمده و معنای «سرور» دارد. به احتمال بسیار ایرانیان نومسلمان بودند که برای جدا شدن از گذشته زردشتی خود، واژه خودای را در معنای «پروردگار» استفاده کرده‌اند

۱. واژه $\delta\epsilon\sigma\pi\omicron\tau\omicron\upsilon$ در سه جا (سطر ۵۳ و ۵۵ و ۵۹ روایت یونانی) به جای $hwtpwy$ پارتی، در سطر ۲۴ روایت پارتی (معادل ساسانی آن خراب شده است)، و $hwtdyhy$ در روایت ساسانی سطر ۲۲، و یک بار به صورت $\delta\epsilon\sigma\pi\omicron\tau\omicron\sigma$ در سطر ۶ روایت یونانی در ترجمه واژه $\check{s}tr'd'ly$ در روایت فارسی میانه ساسانی و $h\check{s}trdry$ در روایت اشکانی آمده است (Huyse 1999: 128).

۲. هویسه (Idem: 54f.) «حاکم» (Herscher) ترجمه کرده است.

۳. فرزندان ماهویه کشنده یزدگرد را خداکشان می‌گفتند.

(برای تفصیل و شواهد، نک: Shayegan 1998). شاهد‌های دیگر برای این واژه گورنوشته‌ها و کتیبه‌های یادبودی ساسانی است. گورنوشته‌ها و کتیبه‌های یادبودی، برخلاف متون پهلوی که بازنویسی شده‌اند، بدون تحریف و بازتاب زمانه خود هستند. در سه گورنوشته خودای آمده که دو تا از آنها مربوط به تدفین زردشتی و یکی مربوط به مسیحیان ایرانی است. کتیبه نخست کازرون ۵ است. این کتیبه براساس قرائت نصراله‌زاده تاریخ ندارد، اما به قیاس با کتیبه کازرون ۲، که سال ۹۳ یزدگردی (برابر ۱۰۶ هجری و ۷۲۵ میلادی) دارد و کتیبه‌های مشابه، باید آن را مربوط به سده دوم هجری به بعد دانست. در این کتیبه این عبارت آمده است: *ud wahišt bahr Abarwēz Anāhīd Ohrmazd ī xwadāy pad wahišt ī pāhlōm gāh dahād* «و بهشت‌بهر پرویزان‌های را اورمزد خدای به بهشت برین جای / جایگاه دهد». تشخیص معنی «خدای»، «سرور» و یا «پروردگار» دشوار است، اما احتمالاً معنای «سرور»، به مانند اورمزدخدای در متون پهلوی است. مشابه این عبارت اما با واژه یزدان به جای خودای در کازرون ۱۱ آمده است که تاریخ آن ۷۶ یزدگردی (۸۸ هجری و ۷۰۷ میلادی) است. عبارت پایانی این گورنوشته چنین است: *u-š yazadān be āmurzāyēd* «و یزدان او را بیامرزاید». اینکه در اینجا منظور یزدان، صورت جمع ایزد، در سنت زردشتی است یا اسم جمع در معنای پروردگار، متأثر از سنت اسلامی، نامشخص است. به نظر می‌رسد احتمال دوم، یعنی اینکه یزدان زیر تأثیر سنت اسلامی بوده و وارد سنت زردشتی شده بیشتر است. از این رو، شاید قدیم‌ترین کاربرد یزدان به جای پروردگار/ اورمزد در این کتیبه باشد.^۱

۱. در ترجمه فارسی قرآن به جای الله گاه واژه یزدان ذکر شده است: علی‌رغم آنکه در اینجا یزدان صورت جمع است اما در سنت ایرانی - اسلامی معنای مفرد گرفته است. در ترجمه‌های فارسی قرآن، از سده ۵ هجری به بعد، واژه خدای، و خداوند و خدایگان و غیره، به عنوان معادل واژه‌های مختلف عربی آمده است. در ترجمه الله، «خدای، خداوند، ایزد (یک بار و تاریخ ترجمه ۹۰۵ هجری است)، پروردگار» آمده است (یا حقی ۱۳۸۹: ۲۳۷/۱). همچنین واژه اللهم به «خداوند، بارخدای، یا خدای من» و واژه رب، و صورت‌های مختلف آن، به «خداوند، خدایگان، خداوندان، پروردگار، مهتر، پادشاه، خدیو، خدای آفریدگار» ترجمه شده است. همچنین، در ترجمه واژه‌های ذو، ذا، صاحب، اولی، مولا، اهل معادل «خداوند، خاوند، خدیو و...» آمده است (نک: یا حقی ۱۳۸۹: ج ۵).

کتیبه دوم کتیبه شی‌آن در چین است. این کتیبه سه تاریخ یزدگردی، هجری و چینی دارد. تاریخ یزدگردی ۲۴۲ و هجری ۲۶۰ (برابر ۸۷۴ میلادی) است. در این کتیبه در عنوان‌های شاه چین این عبارت آمده است: *sāl 15 hamē-pērōzgar xwadāy baypuhr ī Xēm-tōn* «... سال ۱۵ خدای همیشه‌پیروز بغپور (پسر خدا) خیمتون». واژه خدای در این عبارت حتماً معنای «سرور، خداوندگار» دارد. در عبارت دعایی پایانی کتیبه از اورمزد و امهرسپندان آمرزش خواسته شده است (نصراله‌زاده ۱۳۹۸). دو کتیبه دیگر مربوط به مسیحیان ایرانی است. نخستین کتیبه، کتیبه یادبودی نوشته‌شده بر روی ۶ صلیب در هند است. این صلیب‌ها را مربوط به سده هفتم میلادی / سال اول هجری دانسته‌اند و ظاهراً هنگامی که مسیحیان نستوری ایرانی به هند رفته بودند، آنها را نوشته‌اند (تفصیل آن در نصراله‌زاده ۱۳۹۸ با ذکر ادبیات پیشین). در سطر آغازی این کتیبه یک‌سطری عبارت *MROHA-mn mšyh'* / *xwadāy-man Mašihā* آمده که معنای «سرورم مسیح» است. کتیبه آخر گورنوشته استانبول است. این کتیبه را مربوط به سده ۹ و ۱۰ میلادی، چهارم و پنجم هجری، دانسته‌اند. عبارت چنین است: *ēn gōr Hōrdād pusar ī Ohrmazd-Āfrīd rāy ast kū-š xwadāy be āmurzāy* «این گور برای خرداد پسر اورمزد آفرید است که خدایش بیامزاد». در اینجا شاید متأثر از سنت مسیحی، خودای احتمالاً به معنای «پروردگار» است.^۱ از این شاهد‌های کتیبه‌ای چنین برمی‌آید که خودای، به‌جز کتیبه استانبول، معنای «سرور، خداوندگار» را حفظ کرده است. از این‌رو، اگر این انگشتر مربوط به دوره ساسانی یا حتی اوایل دوره اسلامی باشد، دشوار است که تصور کرد خودای معنای «پروردگار/ اورمزد» داشته باشد.

۱. در سطر دوم همین کتیبه عبارت *bār-xwadā ī Maših* «بارخدای مسیح» آمده که معنای «سرور» دارد (نصراله‌زاده ۱۳۹۸). در لغت‌نامه دهخدا برای ترکیب بارخدا معانی «خداوند، حق‌تعالی، باری‌تعالی، بلندمرتبه، بلندمقام، خداوند، پادشاه بزرگ» آمده است. جزء نخست آن نامشخص است و شاید از واژه باری در باریتعالی به معنای «بزرگ و جلیل» باشد (نک: لغت‌نامه دهخدا ذیل مدخل بارخدا).

۴. نتیجه

مطابق قرائت انجام‌شده از این نگین نوشته ساسانی، و با این فرض که انگشتر مربوط به دوره ساسانی است، واژه خدای در اینجا معنای «سرور، شاه، حاکم» دارد و متضمن پشتیبانی و حمایت و نیز امید از سوی «سرور، شاه/حاکم» است. نگارندگان این نوع طلب حمایت از شاه یا حاکم که در بردارنده دعا در حق حاکم/سرور یا خودای باشد ندیده‌اند. فقط در کتاب المسائل منسوب به خسرو انوشیروان، منقول در جاودان‌خرد ابن مسکویه، اندرزهایی از خسرو آمده‌است. یک اندرز آن چنین است: «پرسیدند: حقوق رعیت بر پادشاهان و همچنین حقوق پادشاهان بر رعیت چیست؟ گفت: حق رعیت بر پادشاهان این است که پادشاهان با آنها به انصاف رفتار کنند و داد آنها بخواهند و خاطر آنان را آسوده دارند و مرزهای آنان را حراست کنند؛ و حق پادشاه بر رعیت نصیحت و سپاسگزاری است» (محمدی ملایری ۱۳۸۰: ۴۰۳).

منابع

- بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر، البلدان و فتوحها و احکامها، تحقیق سهیل زکام، بیروت، ۱۹۹۲.
تفضلی، احمد، ۱۳۷۶، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، تهران.
جعفری، محمود، ۱۳۶۵، ماتیکان یوشت فریان، متن پهلوی، آوانویسی، ترجمه، واژه‌نامه، تهران.
دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۷، لغت‌نامه، تهران.
راوندی، محمد بن علی بن سلیمان، راحة الصدور و آية السرور در تاریخ آل سلجوق، به سعی و تصحیح اقل‌عباد محمد اقبال، به انضمام حواشی و فهارس، تهران، ۱۳۳۱.
غزالی طوسی، محمد بن محمد بن محمد، نصیحة الملوك، به تصحیح مجدد و حواشی و تعلیقات جلال‌الدین همایی، تهران، ۱۳۵۱.
محمدی ملایری، محمد، ۱۳۸۰، تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی (زبان فارسی همچون مایه و مددکاری برای زبان عربی در نخستین قرن‌های اسلامی)، ج ۴، تهران.
مسعودی، ابوالحسن علی، مروج الذهب، به کوشش شارل پلا، بیروت ۱۹۶۶ تا ۱۹۷۹.
نصراله‌زاده، سیروس، ۱۳۹۸، کتیبه‌های خصوصی فارسی میانه ساسانی و پس‌ساسانی (گورنوشته، یادبودی)، جلد اول: متن، تهران.

یا حقی، محمدجعفر، ۱۳۸۹، فرهنگنامه قرآنی، ج ۱-۵، مشهد.

- Back, M., 1978, *Die sassanidischen Staatsinschriften, Studien zur Orthographie und Phonologie des Mittelpersischen der Inschriften zusammen mit einem etymologischen Index des mittelpersischen Wortgutes und einem Textcorpus der behandelten Inschriften (Acta Iranica 18)*, Téhéran-Liège.
- Boyce, M., 2004, "Humata Hūxta Huvaršta", *Encyclopædia Iranica*, vol. XII, Fasc. 5, pp. 561-562.
- Durkin-Meisterernst, D., 2004, *Dictionary of Manichaean Middle Persian and Parthian*, Turnhout.
- de Fouchécour, Ch-H., *Moralia: Les notions morales dans la littérature persane du 3e/9e au 7e/13e siècle*, (Bibliothèque iranienne), Paris.
- Gharib, B., 1995, *Soghdian Dictionary (Soghdian-Persian-English)*, Tehran.
- Gignoux, Ph., 1976, "Les formules des sceaux sassanides et la signification de rāst et rāstih", *Miscellanea in Honorem I. Pūrdāvūd (Frahang-e Irān Zamīn XXI)*, Teheran, pp. 41-56.
- , 1979: "Pour une origine iranienne du bi'smillah", *Pad Nām I Yazdān*, Paris, pp. 159-63.
- , 1991, "Les quatre inscriptions du mage Kirdīr: textes et concordances", *Studia Iranica Cahier 9*, Paris.
- and Kalus, L., 1982, "Les formules des sceaux sassanides et islamiques: Continuité ou mutation?", *Studia Iranica, Mélanges Offerts à Raoul Curjel*, T. 11, pp. 123-153.
- Gyselen, R., 2007, *Sasanian Seals and Sealings in the A. Saeedi Collection (Acta Iranica 44)*, Paris.
- Humbach, H. and Skjærvø, P. O., 1983, *The Sassanian Inscription of Paikuli*, part 3.1 Restored Text and Translation, Wiesbaden.
- Huyse, Ph., 1999: *Die dreisprachige Inschrift Šābuhrs I. an der Ka'ba-i Zardušt (ŠKZ)*, (*Corpus Inscriptinum Iranicarum*, Part III, vol. I, Band 1 and 2), London.
- MacKenzie, D. N., 1986, *A Concise Pahlavi Dictionary*, London.
- Nyberg, H. S., 1974, *A Manual of Pahlavi*, vol. 2, Wiesbaden.
- Shaked, S. and Safa, Z., 1985, "Andarz", *Encyclopædia Iranica*, II/1, pp. 11-22.
- Shayegan, M. R., 1998, "The Evolution of The Concept of Xwadāy 'GOD'", *Acta*

- ۷۱ *Orientalia Academiae Scientiarum Hungaricae*, vol. 51, no. 1/2, pp. 31-54.
- Sims-Williams, N., 2016, *A Dictionary: Christian Sogdian, Syriac and English*, Wiesbaden.
- Yamauchi, K., 1993, *The Vocabulary of Sasanian Seals*, Tokyo.

